

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۲۳

فصل نامه علمی - پژوهشی عصرآدینه

سال دهم، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۶

هنرزمینه ساز و نقش آن بر انگیزش دهی رفتاری در ایجاد فرهنگ و تمدن اسلامی

علی یزدانی احمدآبادی^۱

چکیده

ضرورت کاوش در موضوع هنر و نقش آن به عنوان یک مکانیزم در حوزه فرهنگ برکسی پوشیده نیست. بسیاری از روان شناسان «انگیزش» را فرایندی می دانند که بر انگیزش، هدایت و احیای رفتار فرد و جامعه را رقم می زند. از این رو رفتار انسان ها از منظر روانی و در همه قالب ها، تحت تأثیر نظام انگیزشی قرار گرفته است.

ایجاد انگیزه به عنوان عامل اساسی رفتار و حرکت اجتماعی و نقش هنر به عنوان یکی از عوامل ایجاد این انگیزه در گرایش جامعه به سوی بایسته های فرهنگ زمینه ساز تمدن اسلامی، مورد رصد و توجه این مقاله قرار گرفته است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد دینی تلاش دارد تا با بیان نقطه و جهتی که این گفتمان باید متوجه آن شود، به این مسئله پاسخ دهد که هنر زمینه ساز چه نقشی بر انگیزش دهی در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی دارد؟ این پژوهش نشان می دهد که هنر زمینه ساز در بخش فردی: «نقشی ارشادی در ترغیب به رشد و بلوغ فکری افراد» و «نقش تقویتی در درونی شدن ارزش ها و تقویت روحی افراد» و در بخش اجتماعی: «هماهنگی و موزون سازی اجتماعی»؛ «جابه جاسازی» و «سامان یابی ساز و کارها و رویکردهای موثر در حوزه تمدن دینی از طرق: «الگودهی جهت

۱. دکتری تاریخ و تمدن اسلامی (yazdanmail@yahoo.com).

بهبود رفتاری» و «تولید امنیت اجتماعی شده» بیشترین و مهم‌ترین نقش را ایفاء می‌کند.

واژگان کلیدی

مهدویت، هنر، انگیزش، رفتار، زمینه‌سازی، فرهنگ و تمدن اسلامی.

مقدمه

«انگیزه» عاملی است که انسان را به سمت انجام و تداوم رفتارها متمایل و علت و چرایی آنها را روشن می‌کند. آن چه، باعث حرکت انسان به سمت رفتارها است، چیزی جزء نیاز او نیست که فرد را برای پاسخ به آن نیازی قرار و ادار به تکاپو و تلاش می‌کند. انگیزه پایه اصلی رفتار فرد است که بدون آن، عملکرد اجتماعی هم شکل نمی‌گیرد. انگیزش شامل دو بُعد انگیزه و هدف رفتاری یک فرد یا جامعه را تحقق می‌بخشد. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند:

النَّيَّةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ (آمدی، ۱۳۳۷: ج ۱، ۶۱)؛
نیت (انگیزه) اساس عمل است.

باز فرموده اند که:

الْأَعْمَالُ ثَمَرُ النِّيَّاتِ (آمدی، ۱۳۳۷: ج ۱، ۱۲۲)؛
کوشش‌ها و فعالیت‌های انسان، محصول نیت‌های او هستند.

در ادامه فرمود:

عَوَّدَ نَفْسَكَ حُسْنَ النِّيَّةِ وَجَمِيلَ الْمَقْصَدِ تُدْرِكُ فِي مَبَاغِيكَ النَّجَاحَ (آمدی، ۱۳۳۷: ج ۱، ۱۲۱)؛

خود را به حسن نیت و اهداف پسندیده عادت بده با موفقیت به خواسته‌های خود خواهی رسید.

هنردینی یکی از لوازم ایجاد انگیزه و علاقه‌مندی، جهت شناخت موضوع و آگاهی بیشتر نسبت به یک موضوع است تا بر آن اساس، هدف‌گذاری لازم جهت انگیزش فردی و اجتماعی و تلاش و کوشش همدلانه سامان یابد. جامعه متدین که قصد حرکت در مسیر دین را دارد نیازمند مشوق‌ها و محرک‌هایی است تا اراده و توانش محکم‌تر کرده و توانش را تقویت نماید. در جهان بینی توحیدی و حرکت به سوی جهانی توحیدی که در حقیقت

مسیر کمال و سعادت مؤمنان است، توجه به عوامل انگیزشی و توجه به جایگاه و نقش آنها؛ روند حرکت و تلاش فردی و جمعی را برای کسب معارف و رسیدن به تمدن مطلوب اهمیت می‌بخشد. از این رو، باید دید هنر دینی در چه ابعادی توانایی تأثیرگذاری برای ایجاد انگیزه و انگیزش دینی دارد. از آن جا که انبیاء و اولیاء منادیان دین و حقیقت بودند و هدف عمده رسالت آنها ایجاد جامعه‌ای توحیدی با تمدنی منبعث از آموزه‌های دینی بوده است، لذا توجه به اثربخشی و کارکرد هنر در تحقق این چنین تمدنی بسیار اهمیت دارد.

به هر رو، در این نوشتار، فرض بر این است که باور به آموزه‌های دینی و مهدوی، توانمندی لازم را جهت تأثیرگذاری بر جامعه را داشته و هنر هم می‌تواند در کنار این داشته‌ها، هنجارهای مورد نظر دین را در جامعه نهادینه کند و زمینه تحقق تمدن اسلامی را بازیابی نماید. برای درک به‌تر نشان دادن اهمیت و جایگاه این سخن، تلاش می‌شود تا به سوالات ذیل پاسخ داده شود:

۱. بررسی نقش آموزه‌های دینی - مهدوی در کاوش نظام هنر و تمدن اسلامی دارای چه ضرورت‌هایی است؟

۲. نقش هنر موعود در انگیزش‌دهی ساختار و نظام حوزه تمدن اسلامی چه می‌باشد؟ البته این پژوهش برای باز نمودن همه جنبه‌های و استقراء کامل موضوع به نگارش در نیامده است اما تلاش دارد با بررسی مهم‌ترین تأثیرات هنر زمینه ساز و در میان گذاردن آن با صاحب نظران این عرصه، به گستره، اهمیت و سنجش یافته‌ها و دیدگاه‌ها کمک نماید.

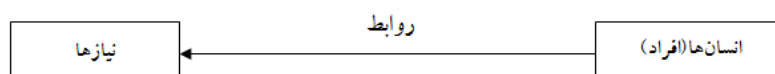
پیشینه تحقیق

تا جایی که نگارنده بررسی کرده، در رابطه با هنر و نقش آن بر انگیزش‌دهی در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی، پژوهش مستقلی انجام نشده است؛ اما آثاری با رویکردهای دیگر و نزدیک به این موضوع نوشته شده است که از زوایای دیگر به بررسی برخی مولفه‌ها پرداخته‌اند. مانند کتاب *انگیزش در آموزش و پرورش* (ساموئل بال، ۱۳۷۳) که به تعریف، تقویت و یادگیری انگیزه پرداخته است و در مطالب خود به نقش انگیزه در پیشرفت، نگرش‌ها، علاقه‌ها، تنش‌ها و... پرداخته است. کتاب *تربیت معنایی انسان* (مظلومی،

۱۳۸۴) و کتاب *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام تربیت اخلاقی* (داودی، ۱۳۸۷) به تربیت دینی از منظر اهل بیت علیهم السلام، مبنا، هدف و روش ها پرداخته اند. کتاب *پرورش انگیزه در دانش آموزان* (مک کومبز و جیمز پاپ، ۱۳۸۸) و کتاب *انگیزش و هیجان* (رابرت ای. فرانکن، ۱۳۸۸) با بررسی انگیزش، مؤلفه های آن، نحوه افزایش و خلق فضایی برای دانش آموز و عوامل موثر در ایجاد انگیزه کند را بیان کرده اند. *اخلاق اسلامی در قرآن* (فهیمینیا، ۱۳۸۹) به تعریف و معرفی مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن مانند تقوا، توکل، صبر، شکر و... اشاره می کند. مقاله ای همچون: «مبانی انگیزش از دیدگاه اسلام» (بخشی، ۱۳۸۰)؛ «بررسی روش های ایجاد انگیزه دینی از منظر سیره تربیتی اهل بیت» (نیکونژاد، ۱۳۹۴) به دسته بندی «انگیزش» براساس نیازهای مختلف انسانی؛ درجات انگیزه و چگونگی درونی کردن آنها از منظر اسلام پرداخته اند. اما نوشته پیش روبه بررسی نقش هنر زمینه ساز بر انگیزش دهی رفتاری در ایجاد فرهنگ و تمدن اسلامی، پرداخته که کاری جدید در مباحث تمدن اسلامی محسوب می شود.

مفاهیم

جامعه:^۱ به طور کلی به مجموعه ای از افراد گفته شده که برای رفع نیازهای شان با هم روابط اجتماعی دارند. یعنی انسان ها برای این که نیازهای شان را بهتر برآورده کنند به برقراری روابط متقابل و کمک انسان های دیگر احتیاج دارند. (فرامرزی فرعی پور، ۱۳۷۸: ۳۵) کلیت جامعه تغییرناپذیر است و آن چه دگرگون می شود معیارها و عادات آن است. (همو: ۱)



فرهنگ:^۲ واژه ای پارسی است و ترکیبی از دو جزء «فرا» و «هنگ»^۳ به معنای «بیرون کشیدن و یا بالا کشیدن استعدادها و لیاقت های ذاتی نهفته در نهاد خرد و جامعه» است. (داریوش آشوری، ۱۳۸۰: ۶۵)

1. Society

2. Culture

۳. «فرا» پیشوندی است به معنای بالا و بیرون و «هنگ» نیز از ریشه اوستایی «هنگ» به معنای کشیدن گرفته شده است.

جامعه و فرهنگ به یک امر مشترک اطلاق نمی‌شوند. جامعه گروهی از افراد است که رسوم، سنن، طرز تلقی‌های مشترک و احساس وحدت؛ ویژگی کنش متقابل اعضای آن می‌باشد و فرهنگ سیمایی است که انسجام اجزاء ترکیبی یک جامعه را حفظ می‌کند. فرهنگ مجموعه‌ای از مفاهیم و بیان نمادین در قلمرو ایده‌ها، آراء، هنر و تجربه افراد در بوته مناسبات اجتماعی است. (جهانگیر معینی، ۱۳۷۴: ۲-۳) این مفاهیم مشترک و تخیلات مشترک رفتار فرهنگی انسان‌ها را می‌سازند.

تمدن:^۱ در تعریف تمدن، می‌توان رویکردهای مختلفی در نظر گرفت. «سوروکین» فیلسوف نظری حوزه تمدن‌پژوهی، تمدن را پدیده‌ای در زندگی اجتماعی بشر می‌داند که در دوران‌های متفاوت، شکل‌های متفاوتی پیدا می‌کند. از نظر او تمدن به لحاظ تاریخی دارای سه ماهیت مادی، معنوی و جامع در حال جریان است و هرآنچه راکه فرهنگ است، در بر می‌گیرد.

«فوکوتساوا یوکیچی» تمدن‌پژوه برجسته در کتاب *نظریه تمدن*، تمدن را دارای دو سطح می‌داند: ۱. سطح مادی؛ ۲. سطح معنوی که زیربنای تحقق تمدن است. سطح دوم را موتور محرک تمدن دانسته که به شکل‌های مادی تمدن صورت می‌دهد. از این رووی، تمدن را پالایش معرفت و پرورش فضیلت می‌داند به نحوی که زندگی بشر را به مرتبه بالاتر برساند (یوکیچی، ۱۳۷۹: ۱۱۹-۱۲۰) به طور کلی می‌توان گفت که هر تمدنی برای تحقق نیازمند ایده هدایتگر است که به مثابه نقطه کانونی و قلب تمدن است. در بیشتر نظریه‌ها، امور غیرمادی سازنده اصلی این پدیده هستند. (رسول نوروزی فیروز، ۱۳۹۴: ۱۰۶-۱۲۶)

هنر: دهخدا در لغت، هنر را به معنی: دانش، فضیلت و کمال؛^۲ خطر، اهمیت؛^۳ قابلیت، لیاقت، توانایی فوق‌العاده جسمی یا روحی^۴ معرفی کرده است. (دهخدا، ۱۳۴۲: ج ۳۲، ۱۰۶۱) اما هنر در اصطلاح، مجموعه‌ای از آثار یا فرایندهای انسان ساخت است که جهت اثرگذاری بر عواطف، احساسات و فهم انسان‌ها یا به منظور انتقال یک

1. civilization

۲. زهر ترا دوست چه خواند؟ شکر / عیب ترا دوست چه داند؟ هنر (نظامی، ۱۳۹۵: بخش ۵۴)

۳. نباید که خطایی افتد و هنر بزرگ این است که این جیحون در میان است (بیهقی، ۱۳۸۳: ش)

۴. به نیروی یزدان پیروزگر / به بخت و به شمشیر و تیغ و هنر (فردوسی، ۱۳۹۲: ش)

معنا یا مفهوم خلق می‌شوند. به نوعی دیگر هنر را می‌توان به استفاده از توانایی و تخیل در خلق آثار زیبا، محیطی یا تجاری که بتوان با دیگران تقسیم کرد، اطلاق شده است. (دانشنامه بریتانیکا، ۲۰۱۵: هنر)^۱

هنر زمینه‌ساز: در این مقاله منظور از هنر زمینه‌ساز، هنر با رویکرد مذهبی و شیعی است که باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فردی و اجتماعی را در جهت ایجاد و مهیا کردن شرائط ظهور مهدی و به تبع ظهور تمدن اسلامی به تصویر می‌کشد و با تقویت شناخت و محبت به امامت، جامعه را به حرکت به آن سمت سوق می‌دهد. هنر زمینه‌ساز برآمده از آموزه‌های امامت و در عصر ما آموزه مهدویت است. (آگاه، ۱۳۹۵: ۹)

انگیزه: ^۲ در لغت به معنای سبب، موجب و علت آمده (دهخدا، ۱۳۴۲: ۳۶۰۴) که سبب می‌شود تا کسی کاری را انجام دهد. این واژه در اصطلاح عبارت است از: حالت‌های درونی ارگانیسم که موجب هدایت رفتار او به سوی هدفی خاص می‌شود (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۴۱۲).

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

اندازه مرد به اندازه همت او است و صداقت و راست‌کرداری او به اندازه جوانمردی او است و دلیریش به اندازه عارداشتنش از کار زشت، و پاکدامنیش به میزان غیرت او است.^۳

به طور خلاصه: انگیزه عامل و نیرویی درونی است که موجب رفتار فرد یا افراد می‌شود. انگیزش: ^۴ در لغت به معنای ترغیب، رستاخیز، تاخت و تاز و برپاداشتن و برپا ساختن آمده است. (دهخدا، ۱۳۴۲: ۳۶۰۴). اما در اصطلاح «به مجموعه عامل‌هایی که مردم را وا می‌دارد تا به روشی خاص رفتار و تلاش کنند و در نتیجه به هدف‌های مورد نظر دست یابند». به عبارت بهتر، انگیزش به مجموعه دلیل یا چرایی رفتارها و اعمال اشاره دارد که هم شامل انگیزه و هم شامل هدف رفتاریک فرد یا جامعه است. چون این اصطلاح بیشتر

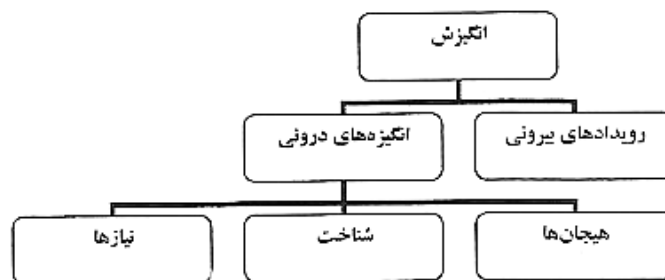
۱. برای مطالعه تعاریف بیشتر، رک: به کتاب «هنر، زیبایی، تفکر: تاملی در مبانی نظری هنر» نوشته محمدرضا ریخته‌گران، چاپ ۱۳۸۹ ش.

2. motive

۳. «قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَصِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مَرْؤَتِهِ، وَشَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَتْفَتِهِ، عَفْثُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷).

4. motivation

در علوم سازمانی کاربرد پیدا کرده پس می‌توان انگیزش را به خلاف انگیزه که بیشتر بعد فردی دارد؛ دارای بعد گروهی و اجتماعی دانست. (پینترچ، ۱۳۸۵: ۱۸) مرحوم دهخدا، انگیزش‌گر را در ادامه معانی انگیزش و به معنی «محرک» آورده است. (دهخدا، ۱۳۴۲: ۳۶۰۴)



ضرورت بررسی نقش آموزه‌های دینی - مهدوی در کاوش نظام هنر و تمدن اسلامی

۱. اهمیت فهم تاثیر و نقش انگیزشی هنر زمینه ساز بر ارائه طرح و شتاب زدگی در ارائه آثار هنر دینی مقدم است. منظور از فهم نقش انگیزشی در این جا، صرف شناخت نمی‌باشد، بلکه مجموع اقداماتی را شامل می‌شود که این پدیده را برای هنر اسلامی معنادار سازد و درکی مشترک را برای فعالان این عرصه به وجود آورد. برای نیل به چنین فهم مشترک و همگرایی در حوزه اندیشه، البته پژوهش‌هایی این چنینی، دارای اولویت هستند.

۲. تلاش برای تحقق هنری فرانسلی و با افق دید آینده‌نگر، کنشی بین تمدنی و کوششی جهت مواجهه با سایر جریانات هنری و خصوصاً هنر غرب است.

عدم توجه به این مقوله و عدم مقاومت فرهنگ و تمدن اسلامی در مقابل جریان همگون سازی فرهنگی، در طول تاریخ اسلام نشان داده که این امر یکی از عوامل منجر به انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی و تسلط فرهنگی دشمن گردیده است. باز نمودن جنبه‌های تمدنی هنر زمینه ساز، کوششی جهت فائق آمدن بر چالش‌های این عرصه است.

۳. فرهنگ را متأثر از دو بخش می‌توان دانست: یکی آن چه که به عنوان پایه‌ها و ریشه‌های فرهنگ عمل می‌کند و دیگر بخش‌هایی که تابع و تأثیر پذیر از بخش اول

هستند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۷-۹)^۱

بینش‌ها و ارزش‌ها ریشه‌های هر فرهنگی را شکل می‌دهند که بر اساس آنها جهان بینی جامعه تعریف می‌شود. اما آن چه به عنوان سایر عناصر فرهنگ، در جامعه شناسی مطرح شده است: از قبیل هنر، ادبیات، آداب و رسوم، جشن‌ها و... بیشتر عناصری هستند که از عناصر ریشه‌ای متأثر شده‌اند.

در این میان هنر همانند آداب و رسوم به عنوان ابزار و قالب انتقال عناصر ریشه‌ای عمل می‌کند. اندیشه تربیت، اصلاح، ارتقا و رشد فرهنگی در رویکرد با آموزه‌های دینی، نیازمند آن است که حداقل به دو موضوع مهم توجه بیشتری شود: یکی آن که رویکردهای جدید و کارآمدتری نسبت به آموزه‌های دینی و مهدوی، سامان یابد و دیگری آن که تصویری جامع‌تر و دقیق‌تر نسبت به تاثیرات هنر در حوزه فرهنگ و تمدن به وجود آید تا از ابهام و اختلاف دیدگاه‌ها کاسته شود.



انگیزش‌دهی فردی و اجتماعی هنر زمینه‌ساز

برای پی بردن به پیوندهای آموزه‌های شیعی و هنر، باید به مهم‌ترین کارکرد باورداشت‌های شیعی و خصوصاً باورداشت مهدویت توجه کرد. چرا که این توجه به آگاهی و فهم به‌ترو دقیق‌تر ما از این مسئله کمک فراوانی خواهد کرد. از این روتلاش می‌کنیم تا کارکرد هنری باورداشت مهدویت را در انگیزه و انگیزش‌دهی به حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی را بررسی نماییم.

۱. جمعی از نویسندگان، آینده فرهنگ‌ها، ترجمه زهرا فروزان سپهر، تهران، مؤسسه فرهنگی آینده پویان، ۱۳۷۸ خ.

۱. انگیزش دهی در رفتارهای فردی

همان طور که آمد، جامعه وجود تعداد معینی از افراد با مناسبات به هم پیوسته اجتماعی است و فرهنگ نشانه محتوای این مناسبات است. پس باید بین فرد و جامعه تفاوت و تمایز قائل شد. فرد به عنوان مقوم و تشکیل دهنده یک مجموعه که به آن جامعه گفته می شود، دارای ویژگی هایی است که به عنوان معیار و عادات فردی شناخته شده و مورد بررسی قرار می گیرند. در گذر تاریخی پذیرش این معیارها و عادات در سطح عمومی و کلی یک جامعه، به شکل گیری مناسبات اجتماعی و تولید فرهنگ منجر می شود.

تفاوت و تمایز بین انگیزه و انگیزش را می توان در همین راستا نکته سنجی و تفاوت سنجی کرد. از این رو فرهنگ شناسان اجتماعی، بین جامعه و ساخت اجتماعی تفاوت قائل شده و می گویند: کلیت جامعه تغییرناپذیر است و آن چه دگرگون می شود معیارها و عادات آن است.^۱ (جهانگیر معینی: ۱۳۸۰، ۲-۳)

در اصل نیازهای انسانی، انگیزش گرو محرك او به سوی رفتارهای خاصی هستند که با معیارهایش همخوانی دارد. پس فرد برای ارضای آن به تکاپو و تلاش برانگیخته می شود. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۱۴۱) در کلی ترین فرایند پردازش می توان رفتار آدمی را دارای دو بخش نیرو و جهت (مسیر) بدانیم. بخش نیروی رفتاری عبارت است از همان بعد نیازها و انگیزه هایی که محرك افراد در وضعیت ها و موقعیت ها مختلف است و آنها را وادار به حرکت و جوش و خروش می کند. (اسلاوین، ۱۳۵۸: ۳۶۰)

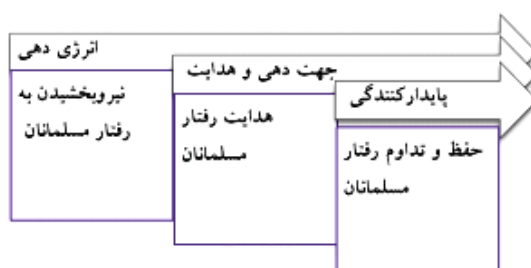
در سطح کلی، از اثرگذارترین عامل ها بر انگیزش دهی فردی، وجود دامن های از آموزه ها و باورها دینی است. این مجموعه از آموزه ها و اعتقادات، نه تنها به انگیزه افراد شکل و صورت دینی می دهد بلکه در تداوم بخشیدن به انگیزه تاثیرگذار بوده و به وجود انگیزه های جدید نیز می توانند منجر شوند. به مرور زمان، انگیزه ها با محتوای دینی - که بر گستره جهان بینی افراد تاثیرگذار است - نسبت به سایر انگیزه ها و خصوصاً انگیزه های مادی، دوام بیشتری داشته و مستحکم تر خواهد بود.^۲

۱. تلاش ها و رفتارهای انسانی به علل بسیاری، همچون: ارزش (Value)، نگرش (Attitud)، علاقه (Interes)، نیاز (Need)، انگیزه (Motive)، مشوق (Encourage) وابستگی دارد. این عوامل را به سختی می توان از هم جدا دانست. از این رو آنها بر همدیگر تاثیرگذار نیز هستند.

۲. از منظر دینی سه انگیزه قابل تصور است: ۱. انگیزه های مادی؛ ۲. انگیزه های تلیقی - ترکیبی؛ ۳. انگیزه های معنوی و

محتوای و آموزه‌های دینی انگیزه افراد را به «انگیزه برتر» تبدیل می‌کنند. تا آن جاکه مومنان برای انگیزه و هدف خود حاضرند با ارزش‌ترین نعمت یعنی جان‌شان را تقدیم اعتقادات خود کنند. در نظر افراد مومن، این انگیزه برتر و برتری جویانه به رفتار افراد «ارزشی ویژه» می‌دهد که به تبع آن انگیزه برتر، ارزشی برتر و بالاتر خواهد داشت.

اما از این منظر، «انگیزه‌های دانی» نه تنها رفتار به ظاهر شایسته را به ارزشی پست‌تر می‌کشانند بلکه مسیر حیات افراد را به «انحطاط» می‌کشاند. در استان زندگانی مؤمنان و خصوصاً مؤمنان به ادیان توحیدی، موارد بسیاری از قدرت انگیزه دینی یافت می‌شود که به گام‌های محکم و استوار جهت طی مسیر و رسیدن به مقصد و هدف مطلوب دینی، منجر شده است. از این رو باید به تاثیر و نقش هنر زمینه ساز در انگیزش دهی فردی به صورت مجزا و جدی‌تری توجه کرد. زیرا این انگیزش دهی به مرور زمان و در گذر تاریخی خود به انگیزش دهی و هماهنگی اجتماعی منجر خواهد شد. هماهنگی و فرهنگی که بر اساس نگرش شیعیان اثنی عشری به زمینه سازی ظهور و به تولید فرهنگ مهدوی خواهد انجامید.



آن چه در این زمینه یعنی هنر زمینه ساز اهمیت دارد، توجه به اعتقادات دینی و کلامی است. زیرا این بخش از مراحل سه گانه دین اسلام به ساخت شخصیت دینی و به انگیزش دهی فردی منجر خواهند شد. به عبارت دیگر اسلام، از طریق تولید جهان بینی (اعتقادات) و ایجاد حرکت (احکام) و تولید ارزش و عادات (اخلاق) تلاش کرده تا فرد و جامعه را به سمت ارزش مطلوب سوق دهد. در سیر تاریخی سیره امامان علیهم‌السلام به خوبی قابل مشاهده است که تا دوره امام صادق علیه‌السلام بیشترین اهتمام در جهت تبیین و تفهیم جایگاه امامت و توجه به ایجاد چنین اعتقادی شده است و از دوره امام صادق علیه‌السلام

درکنار تبیین اعتقادات، به احکام و تبیین آن اهتمام ویژه‌ای شده است. جدای از صحیفه سجادیه و آن چه در کتاب نخستین اندیشه‌های شیعی آمده و به عنوان یک نمونه تاریخی می‌توان به گزارش‌های فعالیت امام حسن مجتبی علیه السلام اشاره کرد.

هنگامی که امام با معاویه صلح کرد و به مدینه بازگشت تا زمان شهادت، مالش را در راه خدا بذل و بخشش می‌نمود و بسیار به سفر حج می‌رفت. طبق گزارش‌های تاریخی امام نه تنها از مدینه بیست بار به حج رفت بلکه این بیست بار را با پای پیاده طی کرده است. (رسول جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۶۶) می‌دانیم سفر حج در آن دوران یکی از مهم‌ترین ابزارها در یارگیری فکری بوده است و باتوجه به جایگاه امام که بزرگ‌ترین نوه پسری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است، این شیوه رفتاری در جلب توجه سایر زائران بسیار اثرگذار بوده است. امام تلاش می‌کرد تا از این طریق و رعایت آن چه در توده مردم موثر بود، ضمن معرفی خود و بیان جایگاه‌شان، با حرکت ضد اخلاقی امویان (سب) در تخریب اهل بیت علیهم السلام مبارزه نماید و جغرافیای وسیعی از سرزمین‌های اسلامی را تحت تاثیر قرار دهد. (یزدانی احمدآبادی، ۱۳۹۶: ۱۳۰) ابوهارون گوید:

در سفر حج به مدینه رفتیم، گفتیم سری به فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بزنیم و سلامی براو کنیم. نزد آن بزرگوار رفتیم و از سفر خود گفتیم. وقتی بازگشتیم، برای هر کدام ما چهارصد درهم فرستاد. نزد آن حضرت برگشته گفتیم که وضع مان خوب است. فرمود نیکی من را بر نگردانید. (رسول جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۶۷)

جایگاه امام از آن رواهمیت دارد که افراد جامعه بر اساس مقبولیت جایگاه افراد به سخنان آنها توجه می‌کنند. در صورتی که فردی جایگاه اجتماعی خود را از دست دهد، حتی اگر برترین فرد نبه باشد و بهترین نظریه‌ها را مطرح کند، جامعه با دید منفی به او نگاه کرده و هر روز بین جامعه و آن فرد شکاف و فاصله بیشتری ایجاد می‌شود. اما به عکس اگر فردی مورد قبول جامعه قرار گیرد، حتی اگر سخنان و رفتارش ضد منافع اجتماعی باشد، باز هم این شخص که به کاریزمای^۱ جامعه تبدیل شده و با اقبال اجتماعی روبه‌رو است. هنر زمینه‌ساز در مسیر تولید رویه دینی و با نگاه تاثیرگذار بر ایجاد «انگیزه برتر» می‌تواند به تقویت اعتقادات مهدوی و تولید انگیزه زمینه‌ساز فرهنگ

۱. کاریزما در لغت به معنی جذابیت غیرعادی و دارا بودن صفت‌های ویژه و ممتاز و منحصر به فردی است که مورد پسند و ستایش تعداد زیادی از دیگران است. جاذبه‌ای انفرادی (فردی) که اثری اجتماعی (جمعی) دارد.

مهدوی منجر شود. این هنر در بُعد فردی، ازدو جهت می تواند نقشی تاثیرگذار داشته باشد:

الف) شناخت واقع بینانه ارزش ها و ضد ارزش های دینی

از منظر دینی و پس از بررسی آن چه در قالب ارزش ها و ضد ارزش های اسلامی، ماهیت و ابعاد روحی - روانی و توانایی های درونی انسان بیان شده، به این نتیجه می توان رسید: که نیروهای مثبت و منفی در هر لحظه بر رفتار انسانی تاثیرگذار است. از این رو هر مقدار ارزش های دینی در افراد مومن تقویت شوند و ویژگی های مورد نظر تقویت شوند، به همان اندازه: جاذبه، نیت و انگیزه در او تقویت خواهد شد و به تبع تاثیری ماندگارتر و کارسازتر خواهد داشت (بخشی، ۱۳۸۰: ۶۱-۶۲).

ریشه این پدیده را می توان در توجه ویژه به عقل گرایی و تفکر در اسلام برای ایجاد جهان بینی خاص خود دانست. ۱۳۵ آیه در قرآن مجید درباره تحریک به «تفکر»، «تعقل»، «تدبّر»، «خرد ورزیدن»، «شعور» و «تفقه» وارد شده است. این دست از آیات، اهمیت حیاتی را برای فهم واقعیات بیرونی و چه برای درک واقعیات معنوی گوشزد می کند. (جعفری تبریزی، ۱۳۸۴: خ: ۱۰۹) آن گونه که در قرآن دنیا و آخرت را در گرو شناخت داتسته و به آن توجه داده است: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمَمُ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال: ۸)؛^۱ «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک: ۶۷).^۲ انسان که موجودی ذاتاً کمال جواست اگر به تواند تشخیص ارزش از ضد ارزش را داشته باشد، به سوی ارزش ها سوق پیدا می کند و از ضد آنها دوری می گزیند. می توان در حوزه فردی، مهم ترین عامل مؤثر در ایجاد انگیزه (معنوی و غیرمعنوی) را توجه دادن به شناخت و ایجاد توانایی در آن دانست. از این رو باید نقش هنر موعود در این مرحله را نقشی ارشادی دانست که ترغیب به رشد و بلوغ افراد را هدف قرار می دهد.

ب) درونی کردن ارزش های اخلاقی اسلام

فردی که در جامعه زندگی می کند خواه ناخواه تحت تاثیر روابط و آداب اجتماعی قرار دارد. هنر موعود با ایجاد حمایت معنوی از افراد معتقد به آمیزه های مهدوی در کنار افزایش

۱. قطعاً بدترین جنبندگان نزد خداوند کربلاهایی هستند که تعقل نمی کنند.

۲. و می گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می کردیم، در میان دوزخیان نبودیم».

آگاهی نسبت به مبانی آن سهم مهمی در تحت تاثیر قرار دادن آداب اجتماعی و به تبع تقویت ارزش‌های مهدوی و اخلاق اسلامی خواهد داشت. به گونه‌ای که به مرور زمان و پس از شناخت و آشنایی با آموزه‌های مهدوی، افراد به دلیل بالا رفتن قدرت روحی - روانی، به زیر پا گذاشتن آن ارزش‌ها واکنش نشان خواهد داد.

شدت و ضعف واکنش جامعه نسبت به این آموزه‌ها در گرو تقویت سلسله مراتب ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها است. در این فرایند و پس از آگاهی بخشی و بالا بردن سطح‌شناسی هنر موعود در مسیر دورنی کردن ارزش‌های اخلاقی اسلام قدم برمی‌دارد. در نتیجه، نظام ارزشی مطلوب در فرد، شکل گرفته و تقویت می‌شود. با تعدد و تکثر این افراد جامعه زمینه ساز ظهور نیز محقق می‌شود. از این رومی توان گفت که هنر موعود به عنوان عاملی بیرونی،^۱ علاوه بر جنبه آموزشی، پتانسیل فراوانی در تقویت درونی شدن ارزش‌ها و تقویت روحی افراد خواهد داشت (نقش تقویتی).

۲. انگیزش‌دهی در ارتقاء رفتارهای اجتماعی

الف) هماهنگی و موزون سازی اجتماعی^۲

می‌توان هنر زمینه ساز را با کارکرد تبلیغی آن مدنظر قرار داد. به این معنی که مفاد و مضمون اصلی را به صورت‌های مختلف و غیر ملال آور تکرار کرد تا مضامین سیاست‌گذاری شده را بر اساس ظرفیت‌ها و برای بالا بردن سطح اندیشه جامعه ارائه کرد. باید توجه کرد که منظور ما بحث تبلیغ سیاسی و اقتصادی نیست بلکه منظور جنبه‌های اثربخشی هنر بر حوزه تبلیغ دینی و مذهبی است. کلمه تبلیغ^۳ در معنای مورد نظر ما از قرآن کریم گرفته شده است. در چندین آیه قرآن، این ماده به کار رفته است. در آیه سی و نه سوره احزاب آمده است:

﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾.^۴

۱. تقویت‌کننده از لحاظ علمی، هرگونه رویداد بیرونی است که رانه آن منجر به افزایش فراوانی رفتار شود. (فخری، ۱۳۹۵: ۴۵). آموزه‌های مهدویت و فرهنگ دینی به عنوان عامل درونی و هنر زمینه ساز به عنوان عامل بیرونی در این فرایند نقش ایفا می‌کنند.

2. orchestration

3. Propaganda

۴. کسانی که پیام‌های خدا را تبلیغ می‌کنند و از خدا می‌ترسند و جز خدا از هیچ‌کس باکی ندارند و خدا برای حساب به

نهج البلاغه واژه مبلغ را از قول امیرالمؤمنین علی علیه السلام به معنای مبلغ مذهبی روایت کرده است:

فوالذی فلق الحبه وبر النسمه ان الذی انبئکم به عن النبی الامی صلی الله علیه و آله ما کذب المبلغ ولا جهل السامع (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۱)؛

به آن خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید همانا آن چه رامن به شما خبر می دهم از پیامبر امی صلی الله علیه و آله گرفته ام، به خدا قسم مبلغ دروغ نگفت و شنونده هم نادان نبود.^۱

یکی از نقش های هنرزمینه ساز: بسیج افکار و نیروهای مردمی، جهت همکاری و هماهنگی با اصل مورد نظری یعنی آمیزه های مهدویت است که این خود متکی بر کارکرد تبلیغی هنرزمینه ساز است. زیرا هدف از تبلیغات، آگاهی بخشی و رساندن پیام مورد نظریک جریان یا مذهب به جامعه تحت احاطه تبلیغی است. این امر از قدیم الایام، با هدف تحت تاثیر قرار دادن جامعه و ایجاد انگیزش اجتماعی استفاده شده است. علاوه برآن امروزه از تبلیغات جهت ارتقای سطح حمایت و علاقه مندی یک جامعه نسبت به موضوع مورد تبلیغ و بسیج افکار و نیروهای مردمی استفاده می شود. (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۵). هنرزمینه سازی تواند به عنوان یک ابزار تبلیغی دو هدف را در ایجاد انگیزش دهی اجتماعی مدنظر قرار دهد: یکی تغییر عقیده مخاطب و دیگری تغییر یا اصلاح رفتار اجتماعی مخاطب است. (قنوت، ۱۳۷۹: ۴۴۶-۴۴۷)

آن چه از جنبه تبلیغی هنرزمینه ساز حائز اهمیت است و موجبات تاثیرگذاری بیشتر و موثرتر فراهم می کند، توجه به عنصر زمان و مقتضیات زمانه است که برای برنامه ریزی مناسب در هر عصر، اهمیت آن را دوچندان می کند. زمان شناسی به برنامه ریزان این امکان را می دهد تا از ابزارها و شیوه های تبلیغی بهترین استفاده را کنند. (زهرایکونژاد، ۱۳۹۴: ۴۹؛ خاکپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲۸) راز موفقیت هنر در ایجاد انگیزه دینی، علاوه بر توجه به زمان و سطح فکری و فرهنگی جامعه؛ ساده سازی پیام است. به این معنی که محتوای هنری به روشن ترین، موجزترین و ساده ترین شکل به جامعه ارائه شود. (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۰۷)

تنهایی کفایت می کند.

۱. مراد از مبلغ خاتم الانبیا و از سامع امیرالمؤمنین است. پس معنی عبارت این است: نه پیغمبر دروغ گفت به من، و نه من مستمع و شاگرد نادانی بودم. و راست گفت و من هم درست ضبط کردم (آیتی، ۱۳۷۸: ۷۱).

ب) جابه‌جا سازی^۱

منظور از جابه‌جا سازی، نقش هنر در تحریک احساساتی است که از قبل وجود داشته‌اند و شناسایی زمینه‌ها در اعماق ذهن است. (مک‌دانلد، ۱۳۶۶: ۱۷۰) این جابه‌جا سازی با درگیرکردن مخاطبین درخواست‌های مشترک امکان‌پذیر است که به پرورش خواست‌های مشترک و گسترش اشتراک‌سازی اجتماعی می‌انجامد. این فرایند در ادامه به دلیل تاثیرگذاری در حوزه اجتماعی موجب ظهور خواست مشترک میان جامعه و سیاست‌گذاران هنری و مشارکت فعالانه گروه‌های اجتماعی در این‌گونه جریان‌ها (از جمله جریان هنرهای دینی) خواهد بود که به تبع آن توسعه فرهنگی را رقم می‌زند. در قرآن هم به جایگاه این اشتراک‌سازی اجتماعی اشاره گردیده است:

﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُم وَإِنَّا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾

با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند و (به آنها) بگویید: ما به تمام آن‌چه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم! (عنکبوت: ۴۶)

تأثیر بر سامان‌یابی سازوکارها و رویکردهای موثر در حوزه تمدن دینی

۱. الگودهی جهت بهبود رفتاری

هنر زمینه‌ساز می‌تواند نقش مهمی در ارائه الگوهای مثبت و حقیقی و زنده‌سازی آن الگوها ایفاء کند. هنر می‌تواند به‌گونه‌ای عمل نماید تا از منظر جامعه و بیننده؛ الگورا گویی که زنده و در حال انجام اعمال و رفتار است، درک کند. این از آن روایمیت دارد که بسیاری از الگوهای عرصه دینی امروز زنده نیستند و از زمان حیات آن افراد با انسان امروزی بسیار فاصله افتاده است. هنر این توانایی را دارد که به آن الگوها حیاتی دوباره دهد و جامعه را ترغیب کند تا همانند آن الگوها رفتار کرده و در جهت سیره و عمل همان الگو قدم بردارد. (قائمی مقدم، ۱۳۸۲: ۲۹)

این زنده کردن الگوها را در هر دوره به شیوه خودش باید رصد کرد. در دوره پیامبر

اسلام ﷺ علاوه بر آن که حضور خود آن حضرت به عنوان یک الگوی زنده تأثیرگذار بوده است؛ قرآن کریم با بیان قصص انبیاء پیشین و با هنر بلاغت خاص خود، الگوهایی که صدها سال با آن زمانه فاصله داشته‌اند را چه برای آن نسل و چه نسل‌های بعد، زنده کرده است. این رویه بعدها در هنر ایرانی و قالب تعزیه برای حیات دادن به الگوهای تداوم پیدا کرده است. (رجبی، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۶۰) امروزه نیز با ساخت فیلم‌هایی از این دست، جامعه احساس قربت بیشتر و الگوپذیری بالاتری نسبت به شخصیت‌های تاریخی پیدا کرده است. نقش هنر در زنده‌سازی الگوها آن چنان است که نه تنها گفتمان‌سازی مشترک دینی در عرصه اجتماعی را فراهم کرده و حیات دینی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بلکه راه را برای مدیریت فرهنگی بهتر و موثرتر فراهم می‌کند.

۲. امنیت اجتماعی

امنیت به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در ایجاد زمینه مناسب پیدایش و تداوم تمدن‌ها است. یکی از جدیدترین محورهای بحث در حوزه امنیت، «امنیت اجتماعی شده»^۱ است که هویت را به عنوان مسئله اصلی امنیت می‌شناساند (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۷). در گفتمان ایجابی امنیت،^۲ مبنا، رضایت است یعنی امنیت نسبی است میان خواسته‌ها با داشته‌ها. با این تعریف، امنیت، وضعیتی است که در آن بین خواسته‌های شهروندان با کارآمدی نظام سیاسی نسبتی متعادل وجود داشته باشد که در آن جامعه تولید رضایت مندی نماید. این تعریف نرم‌افزارانه، درون‌نگر و بر بنیاد رضایت (تا قدرت) است (همو: ۳۵). گرچه بحث امنیت اجتماعی شده موضوع جدیدی در ایران است، هنر موعود می‌تواند نقش مهمی در همراهی و تقویت هویت جامعه، با عنایت به گفتمان اسلامی و توجه به جنبه کاربردی آن در سطوح مختلف جامعه، حرکتی اثرگذار در ایجاد اشتراک فکری و فرهنگی میان افراد جامعه ایجاد کند.

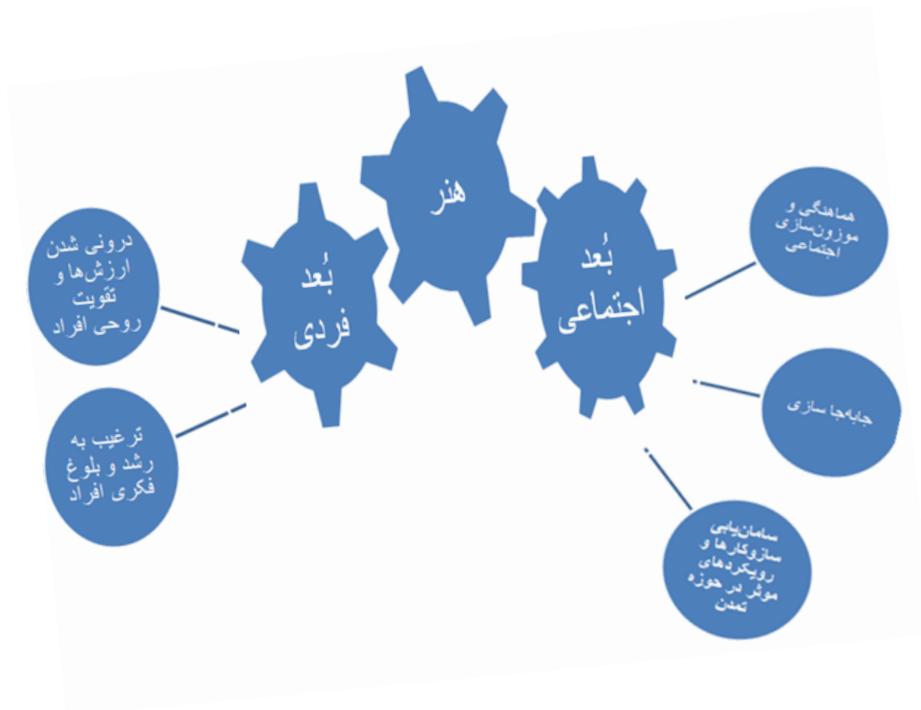
1. Societal Security

۲. امنیت بردوگفتمان سلبی و ایجابی تکیه دارد. امنیت در گفتمان سلبی بر نبود «تهدید» دلالت دارد. لذا می‌توان آن را چنین تعریف کرد: وضعیتی که در آن منافع بازیگراز سوی دیگران یا موضوع تهدید واقع نمی‌شود و یا در صورت وقوع تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن را برای بازیگر مورد تهدید، وجود دارد. این گفتمان سخت‌افزارانه، برون‌نگر و به شدت قدرت محور است. لذا امنیت به قدرت تقلیل می‌یابد.

نتیجه‌گیری

هنر به عنوان یکی از عوامل برانگیزاننده انگیزه در جامعه به عنوان عامل اساسی رفتار و حرکت فردی و اجتماعی، نقشی مهم و تاثیرگذار در خلق فرهنگ و تمدن اسلامی زمینه ساز ظهور ایفاء می‌کند. هنر اسلامی - مهدوی از یک سو، هویت باورمندان را تقویت می‌کند، زیرا وقتی که انسان مؤمن بداند که کیست و چه نقشی در جامعه دارد؛ بر نیازمندی‌ها، تمایلات، توانایی‌ها، ضعف‌ها، استعدادها و مسئولیت‌های خود معرفت بیشتری پیدا می‌کند. و از سوی دیگر قدرت انگیزشی باورهای دینی را تقویت می‌نماید و موجب می‌شود تا مؤمنان به اجرا و تداوم رفتارهای خاص و متناسب با دین متمایل شوند. از این رو هنر در سطح فردی و اجتماعی، بعد نیروزایی دارد و قدرت انگیزشی که مود نیاز تمدن زمینه ساز است را فراهم می‌نماید. تحقق این نیرو به تقویت باور و اعتقاد بر لزوم حرکت به همراه اقدام جهت تغییر در وضع موجود جوامع اسلامی که در رکود تمدنی به سر می‌برند، مهم‌ترین کاربرد هنر جهت خلق رفتار متناسب برای تغییر است.

در پرتو ایمان به این توانایی هنر، جهت نیل به آرمان مدینه فاضله تمدن اسلامی، هنر زمینه ساز جهت انگیزش دهی بُعد فردی می‌تواند در «نقش تقویتی، جهت درونی شدن ارزش‌ها و تقویت روحی افراد» و «نقشی ارشادی، جهت ترغیب به رشد و بلوغ فکری افراد» تجلی نماید. در بُعد اجتماعی نیز این فرآیند می‌تواند سبب «هماهنگی و موزون سازی اجتماعی»؛ «جابه جا سازی» و «سامان یابی سازوکارها و رویکردهای موثر در حوزه تمدن دینی از طرق: «الگودهی جهت بهبود رفتاری» و «تولید امنیت اجتماعی شده» بیشترین و مهم‌ترین نقش‌ها را ایفاء نماید.



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهومات فرهنگ، تهران: نشر آگاه، ۱۳۸۰ ش.
- آیتی، محمد ابراهیم، اصول تبلیغ، پیام حوزه، ش ۲۳: ۸۱-۷، ۱۳۷۸ ش.
- بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، بی‌جا: انتشارات کیهان، ۱۳۶۶ ش.
- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، به تصحیح: دکتر علی اکبر فیاض، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۳ ش.
- جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان علیهم‌السلام، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۹ ش.
- جعفری تبریزی، محمد تقی، قرآن، نماد حیات معقول، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، سوم، ۱۳۸۴ ش.
- جمعی از نویسندگان، آینده فرهنگ‌ها، ترجمه زهرا فروزان سپهر، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان، ۱۳۷۸ ش.
- معینی، جهانگیر، نظریه و فرهنگ، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌الملل، ۱۳۷۴ ش.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- رجبی، سوران، زاهد بابلان، عادل؛ تحلیل روان شناختی تعزیه و سازوکار اثرگذاری آن، شیعه‌شناسی، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۲.
- رفیع‌پور، فرامرز، آنا تومی جامعه، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸ ش.
- ریخته‌گران، محمدرضا، تاملی در مبانی نظری هنر، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۸۹ ش.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تهران: ققنوس، ۱۳۹۲ ش.
- فخری، محمد کاظم، نقش تقویت بیرونی بر فرایند یادگیری، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۹۵ ش.
- قنوات، عبدالرحیم، آیین تبلیغ در قرآن کریم و سیره رسول اکرم ﷺ، فصل‌نامه دانشکده الهیات و معارف مشهد، شماره ۴۹-۵۰، ۱۳۷۹ ش.
- مکدانلد، فردریک، روان‌شناسی تربیتی، ترجمه زهره سرمد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.

- نظامی، الیاس بن یوسف، مخزن الاسرار، تهران، نشر قطره، ۱۳۹۵ ش.
- نوروزی فیروز، رسول، تمدن به مثابه سطح تحلیل، فصل نامه علمی پژوهشی فلسفه و الهیات، سال بیستم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴.
- نیکونژاد، زهرا، بررسی روش های ایجاد انگیزه دینی از منظر سیره تربیتی اهل بیت، انتظار موعود، سال ۹، شماره ۸۳، بهار ۱۳۹۴.
- یزدانی احمدآبادی، علی، بررسی مواجهه فرهنگی امامان شیعه علیهم السلام با فرهنگ ایرانی، ۱۳۹۶ ش.